

سیر تحقق قانون و قانونیت طی سده اخیر

مؤلف:

عبدلویس عفار

سال ۲۰۲۱

بخش دوازدهم

سیرتحقق قانون در دوره حکومت وحدت ملی

(ریاست جمهوری دکتور محمد اشرف غنی و صدارت دکتور عبدالله
عبدالله) سنبله ۱۳۹۳ شمسی یا سپتامبر ۲۰۱۴ الی امروز

قسمت اول :

اشرف غنی کیست وماهیت حقوقی وقانونی رژیم :

اشرف غنی ولد شاپسند در ثور سال ۱۳۳۸ ولایت لوگر تولد شده تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کابل و جهت تحصیلات عالی به لبنان رفت و در دانشگاه آمریکایی بیروت در رشته علوم سیاسی به تحصیل نمود و در همان جا با رولا که در سال ۱۹۴۸ میلادی در کشور لبنان در یک خانواده مسیحی به دنیا آمد. و لا غنی در مارچ ۱۹۷۵ با محمد اشرف غنی ازدواج کرد که ثمره ازدواج شان یک دختر بنام مریم و یک پسر بنام طارق است که در امریکا زنده گی میکنند. و ضمن مصاحبه با خبرنگار بی بی سی در ماه می ۲۰۱۸ میلادی گفت که : من به دین عیسوی بزرگ شدم . بعد از آن نصیب من شد که خداوند مرا به راه رئیس صاحب ماند و ما ازدواج کردیم . ۴۳ سال است که در یک فامیل مسلمان و پشتون زندگی می کنم . همینجا در افغانستان دین من اسلام و قوم من پشتون است ... جهت فریب مردم اشرف غنی نامش را (بی بی گل) گذاشت .

قبل از بحث بر تطبیق قانون و قانونیت در این دوره ، بهتر است تا بر ماهیت حقوقی و قانونی ایجاد حکومت وحدت ملی بحث نمائیم . چرا که ؟؟؟

در بخش یازدهم سیرتحقق قانون در دوره حکومت انتقالی و ریاست جمهوری حامد کرزی پیشبینی نموده بودم که :

(... در دوره حکومت انتقالی و ریاست جمهوری حامد کرزی نسبت دلایل متعدد از جمله عقاید و افکار آقای کرزی ، عوامل داخلی و خارجی به ندرت میتوان از حاکمیت و رعایت قانون یاد آور شد ، مگر جناب شان با داشتن افکار طالبانی ، در موقف گیریهای خویش ، از استقلال طلبی ، رعایت ، تطبیق قانون و حاکمیت ملی در کشور بصورت تظاهری و شکلی صحبت میکرد تا بتواند اعتماد مردم را در انتخابات آینده ، بخاطر شخص دست نشانده خویش جلب نماید.) .

علاوتاً آقای کرزی با نظر داشت افکار طالبانی ، قوم پرستی ، سمی ، لسانی و ... با داکتر عبدالله وگروپش خصومت قبلی داشت و نمی خواست تا موصوف بقدرت برسد ، چرا ؟ در صورت موفقیت داکتر عبدالله در انتخابات امکان داشت که تخلفات ، ارتباطات و سایر اعمال جناب کرزی که به نفع طالبان (قاتلین هزاران هموطن ما) ، بر ملا گردد ، و موصوف مورد پیگرد قانون قرار گیرد . همان بود که کرزی کمسیون انتخابات که اکثر شان افراد مورد اعتمادش بود بریاست احمد یوسف نورستانی طبق فرمان مقرر نمود .

بنا بردلایل فوق جناب کرزی اقدام به مهندسی درجهت تعیین شخص مورد نظرش درپست ریاست جمهوری (آقای اشرف غنی) نمود وهمچنان باشناخت ازنبض جامعه ومشوره های همه جانبه به اشرف غنی ومعاونین اش رابرگزینند. قابل یآوری است که تعداد قابل ملاحظه هموطنان آگاه که ازناباسامانیهای کشوربه ستوه آمده بودند با این تفکرکه رئیس جمهورآینده، بارعایت اصل دموکراسی وقانون،ازمیان کاندیدان بخصوص دودکتوریکه خود را کاندید مقام ریاست جمهوری نموده بودند، درجهت منافع مردم عذاب دیده وکشورجنگزده افغانستان مصدرخدمت خواهند گردید. تیمهای آنان درجهت موفقیت شان اقدام به پیکارانتهخاباتی کردند. درجریان پیکارهای انتخاباتی بعضی اعضای تیمهای انتخاباتی،باجانب مقابل اقدام به منازعه تحقیر،توهینها وحركات فزیکي «شهکاریها» کردند، که سبب ایجاد دشمنیها تا امروز گردید که اکثراً ازطریق اطلاعات جمعی به نشرمیرسید.اما رهبری شیوه جعلکاریهای وسایرتخلفات کمسیون انتخابات اکثرأ توسط کرزی سازماندهی وتوسط یکتعداد اعضای کمسیون انتخابات عملی میگردید.جعلکاریهای انتخاباتی برای هموطنانما وجهانیان معلوم است (شرمآورمیباشد) باهمه این مهندسی درانتخابات دوراول بتاریخ (۳۱ حمل ۱۳۹۳) هجری شمسی توسط رئیس کمسیون انتخابات اعلان گردید که آقای عبدالله عبدالله ۴۹ فیصد آراء وداکتراشرف غنی ۳۳ فیصد آراء را بدست آورند ودیگرکاندیدان بالترتیب فیصدی های کمتر.

اما دردور دوم انتخابات یکتعداد ازاعضای کمسیون انتخابات طبق هدایت ورهنمائی مقام رهبری (کرزی که تجربه کافی درزمینه داشت) بدون ترس وهراس،مانند انتخابات (۲۹ اسد ۱۳۸۸) هجری شمسی اقدام به تقلب وسیع انتخاباتی نمودند چنانچه کمسیون مستقل شکایات لست بیسترازهزار کارمند موقت کمسیون انتخابات را که متهم به تقلب بودند، به نشررسانید. سخنگوی کمسیون محترم نورمحمد نورگفت:بعضی زورمندان درانتخابات دستبرد نموده است. آقای نادرمحسنی سخنگوی کمسیون رسیدگی بشکایات انتخاباتی(۳۱۰۳) مورد تخلف در روز انتخابات راگزارش داد که ازجمله (۷۷۲) مورد علیه کارمندان کمسیون انتخابات بود. امرخیل رئیس دارالانشاء کمسیون انتخابات به اصطلاح عامیانه « با پشتواره» توسط پولیس دستگیرگردید چون همه متقلبین ومتجاوزین به حقوق مردم طبق هدایت رئیس جمهور وقت وظایف خویش راانجام میدادند، هیچکدام آنان بشمول رئیس دارالانشاء ورئیس کمسیون مورد پیگرد قانون قرارنگرفتند. بناء بانظرداشت مطالب فوق جناب کرزی درعقب پرده رهبری انتخابات را در دست داشت.

داکترسپنتا سابق وزیرخارجه ومشاوَر کرزی بتاریخ ضمن ابراز نظر پیرامون یکساله گی ایجاد حکومت وحدت ملی توضیحات مفصل ارائه داشتند که در یک قسمت آن چنین آمده: **یک سال «حکومت وحدت ملی» چه بیهوده گذشت!** پس از انتخابات ریاست جمهوری سال (۲۰۰۹) میلادی نیزدیپلومات های ایالات متحده امریکا در پی راه حل حکومت وحدت ملی بودند. من به نمایندگی ازحامد کرزی با آنان روی مبانی ایجاد توافقی بحث می کردم. حتا متن های نوشته شده نیزازجانب نمایندگان ایالات متحده ارایه گردید (آن متنها در کتاب خاطرات سیاسی اینجانب نشرخواهند شد). زمانی که رییس جمهورکرزی نظر مرا در باره قانونی بودن راه حل ایجاد مقام اجرایی پرسید من گفتم که این طرح درمغایرت آشکار

با قانون اساسی افغانستان قرارداد. وی نیز از همان آغاز بر همین نظر بود. پاسخ کرزی به مقامات امریکایی این بود که بعد از رسیدن به کابل و مشورت با همکاران و رهبران جهادی و سیاسی افغانستان نظرش را در این رابطه ابراز میکند که در نتیجه پیشنهاد یاد شده را به دلیل مغایرت با قانون اساسی افغانستان رد کرد.

اما به دلیل مختلف انتخابات ریاست جمهوری سال (۱۳۹۳) هجری شمسی را مملو از تقلب بود. طبق اعتراف کمیسیون مستقل انتخابات و ناظران خارجی که انتخابات افغانستان را «کابوسی وحشتناک» تعبیر کردند.

کشور ما در آستانه یک بحران جدی سیاسی قرار گرفته بود پیش از نشر اعلامیه کمیسیون مستقل انتخابات درباره اینکه انتخابات پرازنقلب بوده است، نگارنده شاهد یک سلسله بحث‌ها و گفتگوها بودم که برخی از آن‌ها را در اینجا نقل میکنم. در جلسه‌ای در دفتر حامد کرزی رییس جمهوری وقت که در آن آقای قانونی معاون اول رییس جمهوری، استاد خلیلی معاون دوم، آقای خرم رییس دفتر و من حضور داشتیم، به رییس‌جمهور کرزی گفتم که این انتخابات و نتایجی که از آن صحبت می‌شود کاملاً در مغایرت با قانون اساسی و قانون انتخابات قرارداد. در سیزده سال گذشته مواردی از نقض قانون دیده شده است اما هرگز نه با این پیمانانه و...

بدلیل فوق نمیتوان گفت که آقای اشرف غنی طبق احکام قانون اساسی، رئیس‌جمهور انتخاب شد، بلکه توسط بازیگران اصلی و تاکتیک‌های نماینده خاص آنان جناب کرزی، به میانجیگری امریکا (رئیس‌جمهور خلاف ماده ۶۱ قانون اساسی با تجاوز بر حقوق اتباع افغانستان، جناب اشرف غنی بر مسند قدرت نشست.)

با آنکه اشرف غنی دارای تحصیلات عالی علمی در سه رشته سند ماستری و در رشته انسان‌شناسی دکتورا دارد، اما به اصطلاح وطنی نزد حامد کرزی و رئیس‌کمیسیون انتخابات (دهن پرآب) میباشد، استقلالیت واقعی را در عملکردهای خود ندارد و کرزی با داشتن امکانات فوق، بصورت غیرمستقیم اختلافات را در ابعاد مختلف دامن می‌زند، پروژه (کرزی. غنی) باعث تضعیف دولت و تقویه طالبان گردید. ازدیاد فعالیت‌های جنایتکارانه طالبان مصداق ادعا میباشد. خلاف توافقنامه امضا شده تا حال دو دانشمند و دکتور که سنگ مردم و وطن دوستی رابه سینه می‌زنند و در مبارزات انتخاباتی خویش به مردم قراء، قصبات، شهرها و ولایات کشور وعده‌های بهتر شدن سطح زنده‌گی، آوردن امنیت، رعایت و تطبیق قانون، بهتر شدن وضع فلاکت بار اطفال، تامین حقوق زنان، محو خشونت علیه زنان، مبارزه علیه فساد اداری، توزیع تذکره‌های الکترونیکی و... را دادند. اما طی سالهای سپری شده حتی نتوانستند تا اختلافات شان را که ناشی از خودخواهیها و عدم توجه به زنده‌گی مردم عذاب دیده کشور ما میباشد، حل و فصل نمایند و هر روز جان صدها هموطنم افدای آرزوهای نا معلوم دو دکتور شده و مخالفان بخصوص طالبان، داعشیان و سایر سازمانها این طرف و آنطرف سرحد با نعره اسلام و خدا پرستی، تجاوزات شان به جان، مال و ناموس اتباع کشور ما بیشتر نموده اند، و جوانان وطن پرست شامل سربازان و صاحب‌منصبان قوای مسلح (اردو، پولیس و امنیت ملی) جانهای خویش را در سایه اختلافات دو دکتور فدا نمودند و مینمایند. در حالیکه جهت دفاع از حقوق مردم و جلوگیری

از جنایات جانیان تروروزرای مسلکی وبا تجربه (داخله ، دفاع وامنیت) که معلومات کافی از وضع امنیتی وسوق الجیشی کشورداشته باشند، در شرایط جنگی فعلی خیلی ضروری میباشد نه اشخاصیکه متهم بهمکاری تروریستان وقاچاقبران میباشد بدون در نظر داشت طی مراحل قانونی (تایید پارلمان) تعیین میکردند. از یکطرف طبق ماده ۵ و ۶ قانون اساسی دولت با تقرر وزرا، بخصوص وزارت های امنیتی از یکطرف وظایف اصلی خویش را انجام داده نمیتوانند و از جانب دیگر هزاران هموطنان ملکی وسریازان قهرمان ما که جانهای خود را نسبت اختلافات بین دورهبر یا به اصطلاح دو دانشمند (دکتوران) از دست داده ومیدهند.

لذا طبق دلایل فوق وآخرین گزارش ادارات مربوطه سازمان ملل متحد بانظر داشت احکام قانون این دورهبروظایف ومسئولیت های خویش را انجام نداده بخاطر کشتار هموطنانما طی سالهای حکومت و دولت داری در مقابل مردم وتاریخ جوابگو میباشد.

سوال عمده آیا توافقنامه حکومت وحدت ملی، ماهیت قانونی دارد ؟
قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مورخ ۱۴ جدی ۱۳۸۲ هجری که مرعی الاجرا میباشد، حدود صلاحیتها ووظایف رئیس جمهور، حکومت وسایر ارگانهای دولت به صورت مشخص وواضح در آن تسجیل یافته وضرورت به توافقنامه ندارد.

حکومت وحدت ملی خلاف قانون میباشد، صرف یک مصالحه سیاسی بین دو شخص یا دوگروپ میباشد، تا جهت رسیدن بقدرت، بدون رعایت حقوق مردم، برای خویش جایگاه های جدید بوجود آوردند. گرچه یک قانون رانمیتوان مادام العمر دانست، قانون نظریه نیازمردم ونظم جامعه توسط ارگان باصلاحات تصویب وتعدیل میگردد. اما امضاءکننده گان توافقنامه به این عقیده اند که ابتدا عمل خلاف قانون را انجام دهند وبعداً قانون راتعدیل نمایند. باوجود امضای توافقنامه طرفین، بخصوص جناب اشرف غنی که دکتورا در رشته انسان شناسی دارد، باید بادرک خصلت، خصوصیت، عنعنه وکتور جامعه افغانی در مقابل قضایا با تعقل، تعمق وخونسردی برخورد نماید، درحالیکه صحبتها وعملکردهایش بشکل تکروانه و احساساتی بوده ونتایج مثبت را طی تصاحب قدرتش نداشته، اختلافات بین ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه بیشتر شده وطبق اهداف محرکین، دولت ضعیف شده وجنایات طالبان وسایر گروپها وابسته به آن در جهت قتل وکشتار اتباع کشور بیشتر شده میروند. ارقام قتل وکشتار هموطنانما طی سالهای اخیر ما شاهد انفجارات متعدد در تمام نقاط کشور بخصوص پایتخت کشور، سقوط پی در پی ولسوالیها متعدد در نقاط مختلف کشور میباشدیم. که تلفات سنگین مردم کشور ما را بخصوص قوای امنیتی با شهامت وشجاع رادربرداشت. معاون رئیس حکومت در اخبار ساعت ۸ شب ۱۴ سرطان از پروگرام آریانا گفتند: که من طی ۲۰ ساعت از مقام ریاست جمهوری در زمینه کمک به پولیس ولسوالی جلریز که هم سرحد با ولایت کابل میباشد در تماس بودم، اما کدام اقدام عاجل در زمینه ارسال قوای کمکی، جهت رهائی آنان بعمل نیاوردند، این غفلت سبب شهادت ۳۸ نفر قوای امنیتی وافراد ملکی گردید. ولسوالی نیز سقوط کرد. بهمین شکل در ولایات کنر، بدخشان، پکتیا، کندز وچغچران وسایر نقاط کشور.

آیا هدف دولت، کشتار مردم، تسلیمی قدرت به طالبان وسایر گروه ها میباشد ؟

اگر جواب منفی است باید دولت‌مردان به اصطلاح حکومت وحدت ملی وظایف و مکلفیتهای خطیرشان را در شرایط فعلی کشور درک نمایند، با گذشت و برده باری، تأمل و شکیبائی، ازین بردن خود خواهیها، خود را در برابر وجدان شان، مردم و میهن مسئول فکر کرده، نه جانب مقابل را، اقدام به تقرر کادرهای مجرب و وطن پرست، در مرکز و ولایات نموده، بخصوص وزرا، قاضی و القضاة، قضات، لوی خاړنوال و خاړنوالان را جهت نظارت، رعایت و تطبیق قانون و ایجاد نظم و امنیت، رعایت حقوق و آزادیهای اتباع کشور و... برعکس جناب اشرف غنی رفقا و دوستان خود و خانم خود را که بعضی آنان با لسانهای افغانی بلدیة کامل ندارند و تحصیلات خویش را در خارج از کشور انجام داده اند، با کلتور و عنعنہ هموطنان ما در قرا، قصبات و شهرهای کشور ما شناخت و بلدیة ندارند، دریستهای مهم دولتی مقرر نمودند طور نمونه (وزیر معارف و.. شاروال کابل و..) علاوه اکثر این افراد که از خارج کشور آمدند و یا از داخل کشور در ریستها دیگر مانند مشاورین تقرر حاصل نمودند که ضرورت نمیباشد، اشخاصیکه بیکاری بودند و فعلاً از بودجه دولت پول های گزاف اخذ میدارند. در بخش بعدی بالای تعداد، معاشات و عملکردهای شان مکث خواهیم نمود.

. طبق پرنسیپهای حقوقی و قانونی، وظایف و صلاحیتهای رئیس جمهور، صدراعظم، وزرا و سایر ادارات در قانون اساسی و یا قوانین مربوطه آن تسجیل میگردد، نه در توافقنامه . طبق سخنان روزمره هموطنان ما، آنان شرکت سهامی بدون ثبت درجریده رسمی ایجاد کردند. موافقتنامه با چنین مقدمه شروع شده که: (این موافقتنامه به تنهایی نمیتواند رابطه میان رئیس جمهور و رئیس اجرائی را به صورت کامل تعریف کند، بلکه این رابطه باید در نتیجه تعهد و جانب به مشارکت، تعاون، همکاری و مهمتر از همه، مسوولیت پذیری در برابر مردم افغانستان تعریف گردد...). هرگاه هدف آنان تعهد در برابر مردم افغانستان میباشد، هرگز تجاوز بحقوق و آزادیهای مردم افغانستان که در مواد (۳۳ و ۶۱) قانون اساسی تسجیل یافته و مردم در راه تحقق مواد مذکور جانهای خود و فامیلیهای خویش را از دست دادند، نمیگردند. لذا تحقق این توافقنامه نظریه خود کامه گیها، عدم توجه به حقوق و آزادیهای اتباع کشور، وضع فعلی مردم و وطن که روزانه ده ها و بعضاً صدها هموطنانمان جانهای خویش را از دست میدهند، محدود میباشد بخصوص عدم تفاهم و مناسبات کاری، ترجیح دادن منافع شخصی و گروهی تیمها بر منافع مردم و... وضع کشور را بغرنج ساخته است.

. طبق همین مقدمه، رئیس جمهور و رئیس اجرائی متعهد و مکلف به کار مشترک با روحیه همکاری باهمدیگر میباشد. اما طی مدت زمان طولانی عدم معرفی وزیر دفاع، لوی خاړنوال رئیس ستره محکمه، والیان ولایات، شکایتهای ضمنی رئیس اجرائیه، بخصوص در دیدار با مردم و لسوالی چهاردره ولایت کندز: (از زمان تشکیل دولت وحدت ملی، تصمیم های گرفته شده که "اشتباه" بوده اند) ولی او مشخص نکرد که منظورش چه تصمیم های بوده است. به همین شکل در سفرش بولایت بلخ که ملاقات با والی و مسئولین ارگانهای امنیتی داشت، صحبت هایش بیانگر یکتازی و عدم همکاری رئیس جمهور طبق روحیه متن توافقنامه با رئیس اجرائی میباشد.

. دربخش اخیر مقدمه توافقنامه ،که میتوان آرمان حکومت وحدت ملی نامید:(افغانستان دراین مقطع خاص تاریخی به یک حکومت مشروع و کارا نیاز دارد تا به یک برنامه همه جانبه اصلاحات در راستای توانمند سازی مردم افغانستان متعهد باشد و در نتیجه آن ارزش های قانون اساسی در زندگی روزمره مردم افغانستان محقق گردد. همکاری واقعی سیاسی میان رئیس جمهورورئیس اجرایی تحت قیادت رئیس جمهور، باعث تحکیم ثبات درکشور میگردد...).

اماطی هفت سال حکومت وحدت ملی بدون پا بندی به تعهدات متن موافقتنامه وتصمیمگیری مشترک،(غفلت وعدم توافق بین همدیگر)علیه آرمانهای مردم افغانستان که تامین صلح، ثبات،امنیت،حاکمیت قانون،عدالت،رشد اقتصادی وعرضه خدمات، توجه به زنان، جوانان علمای کرام و اشخاص آسیب پذیرعمل نمودند.

ادامه اختلافات شان (درعقب پرده دستهای برای تقویه طالبان وسایرسازمانهاییکه علیه منافع مردم وبد نامی اسلام فعالیت دارند کار مینمایند)،باعث قتل وکشتار هزاران هموطن عزیزما بشمول قوای امنیتی (فرزندان دلیر وقهرمان کشور)،سقوط پی در پی ولسوالیها وشهرها گردید. مسئول این همه بدبختیها بدرجه اول،رهبران خود خواه دولت میباشد، بعداً میتوان بار مسئولیت را بدوش دیگران انداخت.هرگاه امضا کننده گان توافقنامه ترحم بحال ملت بیچاره افغان داشته باشند که:

. سالانه ۴۵ فیصد کودکان زیرسن پنج سال به دلیل تغذیه ناسالم وابتلا به بیماریهای معمولی جان میدهند.

. مشغولیت هزاران طفل به کارهای شاقه .

. معتاد شدن اطفال به مواد مخدره،بخصوص درحدود یک میلیون فامیل معتاد.

. محروم بودن درحدود سه ملیون کودک ازفراگیری تحصیل نسبت نا امنی درکشور.

. خشونت های مسلحانه و خانوادگی از دیگر مشکلاتی کودکان افغان میباشد.

. خشونت علیه زنان، تجاوز،سلب حقوق و آزادیهای آنان .

. بلند رفتن روزافزون سطح بیکاری وازدیاد فقر درجامعه،یکی ازعوامل پیوستن قشربیکار با نظرداشت تبلیغات روحانیون فروخته شده به گروه های تروریستی شده ومیشود. صعود قیم مواد غذائی ودها مشکلات مردم .

گرچه رئیس جمهورسالهای مدیدی است که درارگانهای دولتی، تاحدودی نقش کلیدی وبه اصطلاح بازو ومشاویر کرسی بود وازمعضلات ملت مظلوم افغانستان آگاه میباشد،اما طی هفت سال به اصطلاح حکومت خود کامه، با آنکه دررشته انسان شناسی دکتورا دارد، در زمینه رفع معضلات مردم گامهای عملی نه برداشت، صرف از نظرتیوری با بیانات پرشور و احساساتی اکتفا مینماید.

طبق فقره اول توافقنامه باید لویه جرگه بمنظور تعدیل قانون اساسی (تا پست صدر اعظم اجرایی را مورد مذاقه قرار دهد) دایرگردد. هدف از مذاقه چیست ؟ هرگاه همان رئیس کمسیون انتخابات و بعضی اعضای آن ،انتخابات لویه جرگه را چنان سازماندهی نمایند که پست صدراعظم رادرتعدیل قانون اساسی تصویب نکنند، آیا کدام توافقنامه جدید به امضا خواهد رسید؟ چنین استنباط میگردد که هدف از توافقنامه ، فریب دادن طرف مقابل بود.

علاوۀاً باید انتخابات پارلمانی ۱۳۹۴ صورت می‌گرفت . طبق ماده ۸۳ قانون اساسی از تاریخ اول سرطان ،اعضای جدید شورای ملی بکار خود شروع می‌کردند، فعلاً ادامه کار شورای ملی خلاف قانون میباشد و طبق ماده ۶۴ قانون اساسی که وظایف و صلاحیتهای رئیس جمهور در آن تسجیل یافته، اجازه تمدید کار اعضای شورای ملی از حیثه صلاحیت رئیس جمهور نمیباشد. اما ریاست جمهوری افغانستان بتاريخ ۲۹ جوزا ۱۳۹۴ هجری شمسی اعلامیه را صادر نمود که :

(تصمیم به ادامه کار مجلس نمایندگان تا زمان اعلام نتایج انتخابات دور بعدی با تاسی از احکام صریح قانون اساسی مبنی بر فعالیت مستمر قوای ثلاثه، تداوم قانونگذاری و اعمال حاکمیت از سوی نهادهای سیاسی تعریف شده...) . اما صرف طبق ماده ۱۴۷ قانون اساسی در حالت اضطرار میتواند دروه تقنینی الی اجرای انتخابات جدید ملتوی شود. و حالت اضطرار در ماده ۱۴۳ قانون اساسی توضیح شده است، که با شرایط فعلی تطابق ندارد. مثال

دیگر غفلت دولت دایر نکردن انتخابات میباشد.

. طبق توافقنامه ، حکومت وحدت ملی متعهد گردید تا روند توزیع شناسنامه الکترونیکی، کامپیوتری را برای تمام شهروندان کشور در کمترین زمان ممکن تکمیل کند. اما کارت توزیع آن به تعویق افتاد و حدود ۸۰۰ کارمند آن بیکار شدند، آقای نصیر احمد امین رئیس عملیاتی اداره تذکره های الکترونیکی گفت که : (کشورهای کمک کننده اعطای پول کمکی به اداره توزیع تذکره های الکترونیکی راقطع کردند. اداره توسعه پی ایالات متحده امریکا "یواس آی دی" و اتحادیه اروپا از منابع تمویل کمک کننده پروژه توزیع تذکره هستند. بدلیل اینکه حکومت وحدت ملی در توزیع تذکره های الکترونیکی سهل انگاری کرد. باید رئیس جمهوری در زمینه فرمان صادر می‌کرد. امید داریم تا زیر کاسه به ارتباط توزیع تذکره به طالبان پاکستانی، نیم کاسه نباشد.)

طبق توافقنامه رئیس اجرایی حکومت با وظایف صدر اعظم اجرایی بر اساس پیشنهاد کاندیدای دوم و موافقت رئیس جمهور تعیین می‌گردد. رییس اجرایی به رئیس جمهور پاسخگو است. در این متن اولاً هدف از کاندیدای دوم صراحت ندارد. وثانیاً فقرات چهارده گانه این ماده اکثراً در مغایرت با مواد (۶ ، ۶۴ ، ۷۱ ، ۷۷ و سایر مواد) قانون اساسی کشور میباشد . به ارتباط تعیین مقامات عالی رتبه در توافقنامه باید متذکر شد که فقرات (۱۱ الی ۱۵ و ماده

۶۴) قانون اساسی صراحت دارد.

. هدف از ایجاد پست مقام رهبری تیم دوم چیست؟ هرگاه اعضای رهبری تیم دوم اتباع افغانستان باشد، قانون اساسی و سایر قوانین در زمینه تقرر اتباع کشور صراحت دارد. در رابطه با تطبیق و الزامی بودن توافقنامه ، چنین آمده است : (تفاوت دیدگاه و اختلاف در مورد تعبیر یا تمویل این موافقتنامه با مشورت جانبین حل می‌گردد.) . طی دوسال نشان داد که تفاوت دیدگاه و عدم موافقه هر دو تیم، باعث کشتار هموطنانما و ویرانی کشور شده و میشود . بانظر داشت اینکه انتقاد کارساده است و بصورت عموم جز خصلت اکثریت هموطنان عزیز ما

بخصوص آنانیکه در خارج کشور زیست مینمایند، گردیده است. هرگاه انتقاد سالم
وسازنده جهت اصلاح و افشای تخلفات و جنایات باشد، آن منتقد وطن و مردم
دوست، وظیفه وجدانی، اخلاقی و انسانی خود را در مقابل مردم و میهن خویش انجام
میدهد.